فرقه‌های شیعی در نیمه نخست قرن سوم هجری

دکتر حسن حسین زاده شانه‌چی
سيدعلی‌نامدار حسین شاه

چکیده

نیمه نخست قرن سوم هجری برای تشیع دوران سختی بود: زیرا از یکطرف فشار دستگاه حکومت و از طرف دیگر، بد، اصل فرقه‌ها و انحصار مشکلات را دو ثابت کرد. عمده فرقه‌های شیعه در این زمان، فرقه زیدیه، فطحیه و اقیمه بودند. به نقطه مهمی در تحولات آن دوره داشتند.

فرقه زیدیه، از همه مهمتر بود زیرا در زمانه سیاسی قوی و علمی دولت عباسی قیام کردند؛ گرچه اکثریت منجر به شکست زیبایی شد ولی با پیشنهاد این قیام‌ها به رشد و نمای خود ادامه دادند و با ارائه موقف به شکلی دولت در طبرستان شدند. از سوی دیگر قوای فلسطینی‌های علمی، پیشک خوراکی داشتند. شخصیت‌های برجسته‌ای مثل قاسم رضا ظهور کردن که پایان این ادیسه کتاب زیدیه بود، واقعیت فرقه دیگری است که در جامعه شیعه زندگی می‌کردند و بخاطر نفوذ که داشتند از همه فعال‌تر بودند و فعالیت عمده آنان، ترویج احادیث مهدویت بود. اساسعلیه در این زمان

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۲۳
تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۸/۱۹

* استادان دانشگاه ازاد اسلامی، واحد دهافیان
(Ahussain207@gmail.com)
** دانش پژوه کارشناسی ارشد تاریخ اهل بیت، جامعه المصطفی العالمیه (Abu)
مقدمه
مشکلات سیاسی و سخت‌گیری‌هایی که خلق‌یاف عباسی برای امامان شیعه به‌وجود آوردن، خصوصاً از زمان شهادت امام رضا عليه السلام به بعد در برخی روابط منظم اتمام به‌شیعیان، تابع‌ساخته‌هایی را ایجاد کرد. این مشکلات به ویژه در فاصله شهادت یک امام و جانشینی امام بعدی رخ داده است. از شیعه در شاهنامه امام خود دچار نهایت شدند و مدتم طول می‌کشید تا فرق‌های انشعابی و افکار و اندرهایی ناروا رو به ارایه ناهدیده. امام جدید کامل استقرار یافت. گاهی این مشکلات به قدری شدید بود که جناحی از شیعه را کاملاً بی‌اثر اصلی آن جدا می‌کرد. پیدایش و مقاومت زندیه، واقعیت و حتی اسماعیه را می‌توان از مصاديق آن به شمار آورد. لذا این مقطع زمانی، به این سبب بیشتر اهمیت دارد که در آن فرق‌های شیعی عدم از امامان، در زمینه‌های مختلف خلافت داشتند. در آن زمان، فرقه کیسانیه نزدیک به انحراف بود؛ زدیده مبارزات سیاسی و ادیانه دادند و علاوه بر آن در این زمان، به فکر توسعه اندیشه‌های انشعابی Nations. فرق‌های واقعیت و فطقحیت در زمینه علمی و در مبان امامیه، حضور داشتند و فعالیت خود را ادامه دادند.

فرق‌های شیعه
فرق‌های شیعه در این دوره عبارتند از:
الف) کیسانیه
کیسانیه یکی از شاخه‌های اصلی شیعه بود. این اسم به‌طور سنی بر گروهی از شیعه نهاده شد که در زمان سال بعد از عاشورا قیامت را بر رهبری مختار سامان داندند. درباره پیدایش تداوم انشعابات و انحراف آن سیاق اختلاف است و به راحتی می‌توان درباره آن سخن گفت و به نتیجه قطعی رسید. چون در گزارش‌های تاریخی، در این مورد اختلاف
زیاد است و این گزارش‌ها با هم متناقض هستند. فقط هنین قدر می‌توانیم بگوییم که این اولین فرقه‌ای بود که بعد از قیام مختار به وجود آمد و به امام محمدهنفیه قائل بودند. اگرچه تاریخ و چگونگی شکل گیری این فرقه با توجه به دوام نداشتن آنها در قرون بعدی، ایهام و یقین‌های دارد، فقط می‌توان گفت که اگر و ایندیان این فرقه، به اواخر قرن اول بر می‌گردد و تا اواخر قرن دوم، به طور وضوح موجود بود و این باه کهن نگ شد. به طوری که در گذش زمان، به تدریج عده‌ای از این فرقه به امامیه و فرق دیگر شیعه پیوستند و یکی از آنان به گفتار اوردن، بخشی از آنان هم به جنیش عباسیان پیوستند؛ به کمونی که عملاً سپس از تشکیل و استقرار حکومت عباسیان، کسانی‌که به کهنگ شدند. و به تغییر مادلئنک خاورشناس، "کسانی و شاهدگان گوناگون یک تاریخ عباسیان از هم باشندند."

قسمت عمده کسانی‌که سلف قرآنی قلمداد شدند. نوبختی، شیخ مفید، سیدمغزی، شهستخی و این حزب به انگار که تصمیم قرآن، ولی تاریخ انگار که این یا پاداش نشدند. اگر بپذیریم که که کسانی‌که عمده این فرقه سلف قرآنی قرآن گرفتند، در این صورت می‌توان حسک را که انگار این فرقه واوست قرن سوم بوده است.

عوامل متعددی انگار این فرقه یا سپس شده‌ای جمله‌ی ناکامی شکستند و پایگاه اجتماعی و اندیشه کلامی و نیز سختی و فشار دستگاه خلافت. این علل باعث گسترش نیافتن این فرقه و انتگراف آن شد.

(ب) زیدیه

این فرقه به زیادی بر یک‌سانی بر حسین انساب دارد. فرقه‌ای است که بعد از قیام و شهادت زیدیان بر حسین یا بر وجود آمدن و پیروان این فرقه، به امامت معتقدند. زیدیه‌ای امامت را تئا در اولاد فاطمه می‌دانند و بر این باورند که هر فاطمی عالیم، زاده شجاع و سختی تئها که دعوی امامت کند خروج یا باید امام چنین، چنین ایشان بر خلاف امامیه، به اولاد حسین و یا امام حسین باشد. علاوه بر این، ایشان بر خلاف امامیه، به

---
1. نک: مادلئنگ، فرقه‌های اسلامی، ص ص.128.
2. و.ن. نیک: مادلئنگ، تاريخ خلافت، ص ص.30.
3. قاضی وداد، کسانی‌که در تاریخ ولادت، ص ص.45.
4. س. نیک: جهان، فرق، ماهرکت، ص ص.35.
5. نیک: مادر، فرق، ص ص.15.
6. نیک: سید، علی‌الله، شیخان، ص ص.23.
7. نیک: مرکز، ملک اسلامی، تاریخ، ص ص.150.
رجعت قاتل یستند. یزیدیه عمداً بر همین تفکر در خلافت اموی و سپس عباسی، قیام‌هایی انجام دادند که بیشتر به شکست انجامید. ولی با یشتونه این قیام‌ها به رشد و نمو خود آدامه دادند و به‌تدریج از بدن‌های امیری جدا شدند؛ به‌طوری که در نهایت قرن دوم، در زمان امامت صادقی به دلایل سیاسی، از نظام امامت یه در پی و منصور خارج گردیدند.

یزیدیه در علم کلام، به معتزله نزدیک شدند. جون بن‌نابار گفت به بعضی، زید شاگرد واصلین عباود. علاوه بر این، بسیاری از معتزله، از قیام وی حمایت کردند. حتی به گفت ملتمه، بسیاری از سران معتزله بغداد زیدی بوتوند و به امامت مفضل با وجود فاضل اعفا داشتند. از سوی دیگر، آنان در قبه به مکتب فقهی ایوبنیه نزدیک شدند. شاید به این علت که زید از شیخ ایوبنیه بوید، ؛ و این بود که ایوبنیه بوید بر این یافته را به یاری زید می‌خواند که خروج زید مانند خروج رسول خدا در چنگید بود. یو هم‌هاز درهم به واسطه فضیل بن‌زیدرای او فرستاد و مردم را به یاریش پرتابیکر. هم‌سیب، یو به مخالفت عباسیان پرداختند و در زمان منصور به زندان افتادند. یو به طور خلاصه می‌توان گفت که از زمان قیام زید تا یک‌و‌اواخر قرن دوم، زمان ایوبنیه و شکل‌گیری زیدیه ایست. در اواخر قرن دوم زیدیه، قیام‌هایی کردن که منشأ قیام در آغاز قرن سوم شد. این قیام‌ها عبارتند از:

1. قیام ابولسراها

اولین قیام زیدیه در آغاز قرن سوم، قیام ابولسراها در کوفه و در ادامه قیام محمدبن‌ابراهیم بوید. این قیام مهم‌ترین و خط‌برترین حمله علی‌اوان بر ضد خلافت عباسی به‌شمار می‌رفت. وی به نام رضا مان آل محمد دوش می‌کرد. در نتیجه این قیام بهمن، حجاز و عراق (غير از بغداد) از دست حکومت عباسی خارج شد. سرایج ابولسراها

1. نویخته، فرق الشیعه.
2. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون.
3. ملکه، المثنیه و البت‌الله و النعیمی، ص ۶۲.
4. محمدبن‌ابراهیم، ایوبنیه، عصری و حنانه، ص ۳۹ و ۷۰.
5. همان، ص ۳۹.
6. ابن‌الفراج، اسفهانی، مقاول‌الطلابین، ص ۱۳۱.
7. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۶.
8. تاریخ سقیفیه، ج ۳، ص ۲۷۵.
در سال ۲۰۰۰ قمری دوماه یا ده ماه بعد از قیام زندانی شد و به قتل رسید. در این قیام، بسیاری از سادات علیه کشتند؛ از جمله مجدیدی موجبیزد، حسن بن حسین بن زید، حسن بن اسحق بن علي بن حسین، محمد بن حسین بن حسن بن علي بن حسین و علی بن عدالله بن جعفری ابی طالب.

اگرچه مامون تنها این قیام را سرکوب کرد، نه می‌دانست آن را در نقاط مختلف از طرف وی حکومت می‌کردند. شورش را شروع و اعلام استقلال نمودند و در نتیجه این قیام، منشا قیام‌های دیگر از جای علیان شد. که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱.۱ قیام محمد بن جعفر: حسینی‌ن‌حسن‌فن روز در مکه شورش کرد. و برای محمد بن جعفر، ملقب به دیباه، از مردم بیعت گرفت. مردم مدتی با یک یا بیعت کردند. وی عنوان امیرالمؤمنین به‌خود گرفت و ادعای مهدویت کرد. گروهی از آل ابی طالب در رکاب محمد بن جعفر در مکه هاورون مسبب به جنگ برداختند و محمد بن سلیمان حسینی، محمد بن حسن معروف به سیل، علی بن حسن حسینی و علی بن جعفر صادق نیز همراه او بودند.

۱.۲ قیام ابراهیم بن موسی بن جعفر: وی در میان قیام کرد و آن‌جا را به تصرف خود درآورد و عامل مامون را از آن جدا کرد.

۱.۳ قیام زید بن موسی بن جعفر: وی در بصره قیام کرد و بسیاری از خانهای عباسیان و پیروان آن را در بصره آتش زد؛ به همین سبب به «زید التار» شهرت یافت. همچنین اموال مردم را مصادره کرد. پس از آن نیروهای عباسی او را دستگیر کردند و نزد مامون فرسادند و او زیرداز امام رضا(ع) فرستاد و امام(ع) از آن کردند.

----

1. تاریخ طبری، ج. ۱، ص ۵۲۵.
2. ابن مسکویه، تجلیل امامی، ج ۴، ص ۱۱۸.
3. ابن حجر الحسینی، تجارب العلیمی، ج ۴، ص ۱۱۸.
4. مقاتل الاطالبین، ص ۲۳۲-۲۳۳.
5. تاریخ ابن خدون، ج ۴، ص ۱۲.
6. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۳۷-۵۲۰.
7. مقاتل الاطالبین، ص ۴۴۰.
8. همان، ص ۴۴.
9. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۵۶-۵۵۵.
1۰. مقاتل الاطالبین، ص ۴۳۴.
1۱. شیخ صدوق، عون ایل، ج ۴، ص ۳۳۳.

----
1. قیام محمد بن سلیمان در مدت‌های وی در مدت‌های قیام کرده و سرانجام توسط عالیان عباسی سربکب شد.

این قیام‌ها قبل از ولایت عهدی امام رضا(ع) بود و این حضور به نه‌نتیه اینکه این قیام‌ها حمايت تکننده، بعلی با موضوع غیر جانب‌دارانه، افراد قیام کننده را نصب کردند. این اثبات در مکه بر محمدین جنرال وارد شدند و آموزادند: «یا عمومان، بدر و برادرت را تکذیب مکن، امر خلافت تو سرانجام نخواهد داشت!» و سپس بیرون آمدند. همین طور وقتی در زمان ایسلامی، محمدین سلیمان علیه در مدت‌های قیام کرده و از امام برای مشارکت دعوت نموده، امام(ع) فرمود که «بعد از بیست روز خواهی آمد» و قبل از بیست روز قیام سربکب شد.

شاید غفلت شخصیت امام و موضوع غیرجانب‌داره ایشان بود که بی‌اعتمادی وارد شده؛ امام را از مدتی به خراسان فراخواند و برای ولایت عهدی انتخاب کند. و به این وسیله در مقایسه‌ای علیان که جنرالی نماید و این قیام‌ها را کنترل کرده مشرویت حکومت خود را تثبت بسازد. به همین علت، امام رضا(ع) را به دیپلمات ولایت عهدی مجبور کرده و امام(ع) برخلاف میل خود این منصب را در سال ۱۰۲ قمری پذیرفتند.

2. قیام عبدالرحمان بن احمد

در سال ۱۰۹ قمری، عبدالرحمان بن احمد بن عبدالله بن محمدین عمرانی بن ایبی طالب در بیمن خروج کرده به «ارض میان آل محمد» دعوت نموده و مردم بی‌اعتمادی و مردمی پس از ازبند کردن. محمدین یکی از موانع خود را به نماینده به بیمیار بی‌اعتمادی نمی‌پذیرد. عبدالرحمان امام خواست. دیباد ایشان داده‌است و از این می‌بینند. و از این به بعد خروج زیبیان در جماهیر عراق، جلال و دیلم را در طرفی نهاده، جماعتی به مصر گریختند و جمعیتی از ایشان دست‌گیر شدند ولی رشته دعوت گسترش نگرفتند.

3. قیام محمدین قاسم

محمدین قاسمی برای سه‌مین بار در سال ۱۲۱۹ در منطقه استقرار یافته و مردم به همراه به دعوت کرده. همین خیلیان دعوت‌نامه را پذیرفتند. علاوه بر این بسیاری از مردم

---

1. همان: ص. ۲۸
2. همان: ص. ۵۷
3. همان: ص. ۸۰
4. همان: ص. ۱۱۷
5. همان:
خراشان بیا او همراهی کردند. ابراهیم بن عبدالله بن تأبریز صاحب خراشان، بزرگی سرکوبی او سباه
فرستاد او را مبلغ و زندانی کرد و گرد به این معتقدی که زندانی افکند. او در
زندان وفات نمود و به گفته پرخی، خوشش دادند.

4. قیام محمدرضا

محمدرضا، روشنای بحرالنیازی در زمان مستعوم قیام کرد. وی عده‌ای از
اعراب و گروهی از ساکنان کوچه را به گرد خود جمع نمود و بعد از حمله، وارد شهر کوچه
شد و به دعوت رضا از آن مهدی پرداخت، ولی از موفق نشد و سرانجام کشته شد.

5. قیام حسن بن بدر

حسن بن بدر، یکی از فرزندان حسن بن علی بن ابی طالب در سال ۲۵۰ قمری در دیلم
خروج کرد و را داعی علی و داعی کیف می‌خواندند. وی در آن سال، طبرستان و جرجان
و تواحی وابسته به آن را تصرف کرد. او و شیعیان که همه از زیدیه بودند، موفق شدند و
در آن منطقه، دولت مستقل از عباسیان تشکیل دهند.

دولت‌های زیدیه

دولت‌های زیدیه عبارتند از:

1. ادرسینان

ادریس بن عبدالله، بعد از شکست قیام صاحب فقیه به مصر فرار کرد و در طنجه- در
غرب دور - مستقر شد. وی قبیل آن‌جا به دور خود جمع نمود و پس از دعوت و بیعت
با قبیل، دولت مستقلی به نام ادرسینان در سال ۱۷۲ قمری تأسیس کرد. این نخبگان
حکومت زیدیه بود. ادرسی در سال ۱۷۲ قمری با دبیری هارون قتل رساند. ادرسی
قبلی با کناری از مردم بپر اردوی کرده و از باردار شده بود. پس از تولد فرزند، وی را
هم ادرس نامیدند. ادرس دوم در سال ۲۱۳ درگذشت و پس از او پسرش محمد بن
ادریس به وصیت او به امرت رسید. محققین ادرس کشور بدر را میان برادران خود تقسیم

واژه‌نامه

1. مسعودی، مرجع الذهاب، ج ۸ ص ۴۶۵ و ۴۷۶.
2. تاریخ ایران‌نامه، ج ۹ ص ۱۴.
3. تاریخ‌نامه، ج ۸ ص ۱۴ تاریخ طبری، ج ۶ ص ۱۴۴۴.
4. تاریخ‌نامه، ج ۹ ص ۲۰۰۸.
5. مقاله‌های مطالعه‌ای، ص ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸.
کرد و آنان را در پادشاهی خود شرکت داد. محمدین در سال ۷۲۱ درگذشت. این هنگام بیماری، پسرش علی را به چای خود نهاد. علی بن محمدین در سال ۷۳۲ پس از سپیده سال قرآن‌روایی درگذشت. این پس از آن برادر خود جعفر بن محمد را به جانشینی برگزید. به چای در سال ۷۴۵ قمری درگذشت و پسرش جعفر بن محمد را به قیام قرار داد. این سه‌مین مردمی بسیاری بود و دست تطال به حرم مردم گشود. پس از عمویه بن منوبد. عبدالحسان بن ابی بهما پس از مادری زیست و در همین چا از شدت آنده بمرد. از این پس پادشاهی از عقایم محمدین ادرس خارج شد. ۱

۱. علویان طبرستان

حسن بن زید در سال ۷۵۰ قمری به همراه نمایندگان مردم آمل از ری به طبرستان رفت

و مردم آن منطقه با وی بیعت کردند و به او لقب داده کبیر داده. این منطقه، قیام کر و موفق شد حکومت مستقلی تأسیس کند؟

تدوین مکتوب فقهی و عقیدتی

نظریه پردازهای زیدیه پس از شهادت زید و پیش از اینه در قرن سوم هجری آشکار

شد که به مذهب زیدیه و تاریخی و یزدیه آنان در مورد امامت و سامان داد. جون زیدیه از

زمان شامل گذشته و در سال‌های نخست حیات، بیشتر تلاش‌های خود را به مبارزات

سیاسی منبرکردن کردند. کمتر به فکر تدوین اندیشه‌ها بودند. نیمه نخست قرن سوم هجری

به همین سبب است تاریخ که از این زمان، برخی افراد زیدیه به فکر تدوین اندیشه‌های

خوش افتادند. در این زمینه، شخصیتی همچون قاسم رسی (۴۲۷) با تبیین جزیات و ابراز

نظریه‌های مختلف از جمله درباری امامت، نقص بارزی داشت. ۳ می‌توان گفت از نخستین

کسی است که به مشترک تلاش در این زمینه انجام داد. نام کامل وی قاپی بن ابراهیم

بن حسن بن علی بن ابی طالب بود. وی مذهب زیدیه را پایگاهی کرد. ۴ کسانی که بعد

از آن‌ها، آن را توسیع و بخشیدند و به بیان جزییات پرداختند. از را به‌گونه‌ی مذهب

۱. تاریخ ایران، ج، ص ۴، ص ۱۶-۱۸، ص ۳۱.
۲. تاریخ طبری، ج، ص ۸، ص ۳۷، ص ۷۷، تاریخ ایران، ج، ص ۴۹.
۳. ابن تیمور، الفهرست، ص ۴۴.
۴. حمیدالدین، الحساب، ج، ص ۳، ص ۸.
۵. موسیه، نزد. تاریخ ایران، ص ۴۵.
مفهوم اتمه در مقابل زیده

زیده از لحاظ عقیدتی و فقهی، از امامیه فارمله گرفت و به اهل سنت نزدیک شد. شاید خاتمه باشد که سیاست تنهامی را در پیش گرفته و پیروان خود را از قیام نهی کرده، زیده و امامیه از زمان امام صادق به بعد با یکدیگر بروز در خصمانه‌ای داشتند. در زمان ولایت عده‌ای امام رضا برخی از زیدیان به سبب موقعیت امام رضا و به امید بهره‌مندی از پایگاه ایشان، از زود خودسازی به ان حضرت گروگشتند. ۲ این نشان دهنده تبعیض‌های این افراد به مذهب خود است. این گروه نزد امام شیعه همانند شیعه تلقی شدند و مردم لعن و نفرين اهل بیت قرار گرفتند. منصور از امام هادی راپید که فرمودند: «زیدیه و واقعیه و ناصیبه همگان یکی هستند.» ۳ عبادالله بن مهری می‌گوید:

به حضارت ابواحسن نصرت کرده: من در سماسه دارم بگویم و دیگری زیاد و من ناگزیرم با آنها رفت و آمد داشته باشم با کدام یکی امید و شد کنم؟ امام ۴ فرمود: «هر دو به هستند: هر که از امام خدا را نکلیدی که اسلام را بیشتر خوشی رها کرده است و همه یا ایباد و یا سایر را نکلیدی نمود».

۵ امام اسپس فرمود: «ای یکی [ناتسابی] داشم توسین و آرزوی دیش مالا.»

علاوه بر این، برخی دانشمندان در رد این فردی کتاب‌هایی نوشته، از جمله، یاد

۱ الامام‌یزید، ص ۲۷۷.
۲ جزء مجموعه کتاب و رساله‌های مستندات ابوبکر بن عباس ترجمه، ص ۵۳.
۳ تراتب‌الدنیه، ص ۲۸.
۴ تراتب‌الدنیه، ص ۸۷.
۵ مجلی، جیراز‌الدوله، ج ۵۳، ص ۲۶.
۶ کلی، کتاب‌های کاری، ج ۸، ص ۳۲۷.
۷ تجربی، رجل نجات، ص ۷۹.
در مقایسه برخورد امامیه با این گروه، زیدیه پیروان امام(ع) را با عنوان رافضه یاد می‌کردند. اما راه سارش و هم‌گرایی با خلفا متفق می‌ساختند. بلکه گاهی نزد دستگاه خلافت امام(ع) سعایت می‌کردند. در آغاز قرن سوم وی و پیروی از زمان امام جواد(ع) به بعد این تناقضات میان امامیه و زیدیه به اوی خود رسید. آنان اتفاقات تند و تیز بر شیعیان می‌کردند. مثل قاسم رضی که تقد و رده‌های درباره دیدگاه‌های تشعیه در دو رساله خود با عنوان برگ برای رافضه و برده علی رافضه من/اهل الگو نوشته.

این تعصب زیده بعثت شد که در این زمان، بین اصحاب امام جواد(ع)، امام هادی(ع) و امام حسن عکسی(ع) زیده مذهب بسیار بتوانسته بسیار که این سه امام روابط نقل کند. اگرچه برخی افراد این فرقه، بعد از دیدن معجزات امام به مذهب امامیه گرویدند. از جمله آنان قاضی بن عبدالرحمان، علی بن خالدزاده و محمد بن ابراهیم تقفی بودند.

(ج) اسماعیلیه

فرقه اسماعیلیه یکی از اشکالهای کهن و یکی از دو عشیه است و نام‌های گوناگونی دارد.

ظاهر این فرقه، ترکیه اختلاف بین شهادت و امام صادق(ع) است که بعد از شهادت ایشان، شیعیان به شک دسته تقسم شدند. گروهی مدعی بودند که اسماعیلیان جعفر زندبی است و پنهان است و نمده و نخواهد مرد و او مهدی است. این گروه، به اسماعیلیه خاص معروفند. گروهی دیگر گفتن پس از امام جعفر صادق(ع) نوه ایشان محمدبن اسماعیل امام است. این گروه به مارکی معرفی. اسماعیلیه مبارکی معتقد بودند که بعد از امام جعفر صادق(ع) جون پسرش اسماعیل پیش از پدر درگذشت، امامت به محمدبن اسماعیل منتقل شد که سابع تام بود و دور هفت یافته است. بعد از آن امامان اسماعیلی پنهان شدند، در حالی که داعیانشا کار دعوت را آنها یا برجه گرفتند. به اعتقاد اسماعیلیان، در دوره ستار (با غیبت امام) دعات موظفند که ابلاغ‌ار امر کند. در این دوره، فقط پاب و
نتیجه‌گان قادر به رؤیت امام هستند. آنان دوره‌سنگ از دوره محمداسلامی ثبیت
عیدالافتح در قرآن می‌دانند. گروه‌های اسلامی زنده بمانید. مرکز‌ها در کوفه، بود
و اعضای محدودی داشتند. از زمانی که اسلام‌پرستی‌های نوه‌ای نهشت واحد اندکی پس از
واسط قرن سوم ناگهان در صحنه تاریخ اسلام ظاهر گردیدند، اطلاعات زیادی در دست
نیست. به نظر می‌رسد که پیش از قد، رهبران در خفا و به استمرار برای ایجاد یک
نهشت وابسته و بیان در میان گروه‌های اسلامی نخستین ملاقات داشتند. این رهبران
اختیاراً امامان همان دسته‌ای بودند که با ریشه مجدد اسلامی از مبارکه منشأب
شده و تداوم امانت را پذیرفتند بودند.

کوشش‌های پنهان این رهبران، علاقه پس از نزدیک به یک قرن در حدود سال
۲۵۰ قمری به تبعیض اسلام و از همان موقع، شکی‌های در دانسته‌های اسلامی ناگهان در بلاد مختلف
اسلامی پدیدار گشتند و فعالیت‌هایی را برای بسط دوخت اسلامی اغاز کردند. در
ازن درون، برخی از این کوشش‌ها، که به آن‌ها اسلامی نوشته نمی‌شناسم، از جمله آن‌ها برتر بر
قابلیت توجه فضله فرمان‌دهان شدند. ۵ و در این‌الوان اسلامی نوشته فارسی‌های
قرن‌ها، نماینده مورد که اسلامیه در میان جامعه شیعه وجود داشتند.

۱) واقعه

در اصطلاح خاص، مقصود از واقعه انخضاراً کسانی هستند که بی‌آماد کاظم
توفیف کردن و امامان پس از ایشان را تذکرت نمی‌فزایند.

۲) تزئینه، شرح دریافت‌کننده، ص ۵۲، مصر: دارالفکر الحرفی.
۳) تزئینه، اسلامیه، ص ۱۲، قلم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادبی و دانش‌های.
۴) تزئینه، دفاعی، تاریخ و عقل اسلامیه، ترجمه، فردی، بهبود، تهران: نشر و پژوهش، روزنامه، ۱۳۶۶.
۵) جامعی، همان، ص ۱۳۷۱.
۶) جامعی، مبانی، ص ۲۱۰.
۷) تزئینه، روش دریافت‌کننده، ص ۵۲، مصر: دارالفکر الحرفی.

۱) انسام یزاز، فرهنگ کاره گروه‌های ایرانی، در کتاب از مسئولیت امامان در قول‌های اکثران توافق
می‌کردند. هنگامی که قطعه در عنوان عام آن به کار می‌رفت، انسام به کار گروه‌های ایرانی در بر سی‌گردون
که بر هر امامی توافق کردن، هر چند به دلایل از جهتی دیگر، نام‌های دیگری نیز داشته باشد. به روز
مقصد از اصطلاح توافق، مفهوم آن و شامل هر ساکنی گروهی است که بر از امامان شیعه پیش از
امام‌داردهم توافق کرده و ناحیه آن را تذکرت‌های باشد. به روز، طبیعی، انسام اعتقاد به نواه توافقت
برخی از گروه‌های صرفاً در بر از امامان شیعه به روند بررسی یکی رای داده روا
برخی از ایرانیان به پاژش کردن مقدمانی از امامان شیعه به روند بررسی یکی رای داده روا
بیماند. این اصطلاح همچنین کسانی را که بر از جز
امامان دواده‌گانه توافق کردن، شامل‌تیم‌شود (تاریخ واقع اسلامی، ج ۳، ص ۲۹۳).

۷) فرق الشیعه، ص ۸۱.
خوانندگان. به هر حال واقعیت در صورت اطلاعات به عدم قرینه در اصطلاح نظری شیعه، به همان فرقه موسیه اطلاعات می‌شود. در این زمان فرقه واقعی‌ای موجود بود که بر امام موسی کاظم توقف کردند و در زمینه‌های مختلف فعالیت داشتند. جن در این عصر برخی از اصحاب اهل‌الکافی واقفی مذهب بودند. و در زمینه‌های مختلف کتاب‌هایی نوشته‌اند از جمله، احمدین الحسن الحسن قریشی (م 397) که کتاب‌العمله، منه‌الواویف، را نوشته. به گفته مادرولمه، «جراین فکری کافیه، شمار زبادی و شاید هم بیشترین محمدین امامی کوفه در سده سوم را در برگرفت است که از این میان بی‌سماعه عنی محمدین سامعین موسی، پس از ابراهیم، جعفر و نبی نوادگان محسن، از جمله مشهورترین واقف مسلمان‌هستند.»

ترویج فرهنگ مهدویت

این فرقه از لحاظ علمی، فعالیت فرقه شیعه در این دوره به‌شمار می‌آمدند و از جهات مختلف دارای امتیاز بودند. سران این فرقه داشتند برگشت‌های بودند. که علمای امامی به آن‌ها اعتیاد داشتند و بیشتر آنان را ثقة می‌دانستند. همان‌طور که در کتب رجایی شیعه ذکر شد. برای مثال، حسن بن محمدین سامعه، واقفی به‌شمار می‌آمد و لیکل رقاب بود. علاوه بر این، برخی از این افراد در زمان امام موسی بن جعفر وكلاهی آن حضرت به‌شمار می‌آمدند. و با مردم در ارتباط بودند و آن‌ها لحاظ، در بین مردم نفوذ داشتند و از نظر اجتماعی، از موقوفیت بالا برا رخود آنان بودند. به همین سبب، مشکلات جدی برای امام رضا بیدار. آنان از موقوفیت که داشتند، به نفع خود استفاده کردند و به ترویج فرهنگ مهدویت پرداختند. در مورد غیبت امام مهدی احادیث نقل کردند و کتاب‌هایی نوشتند. تلاش این فرقه این بود که احادیث مهدویت را بین مردم منتشر کند و امام کاظم را مصداق احاث قرار دهند. اگر در کتب فرهنگ نگاه کنیم، کتاب‌هایی که به‌نام/فیه در این دوره نوشته شده، بیشتر نویسندگان آن واقفی هستند. از جمله حسن بن علی بن ابی حمزة بطابتی که از وجوه

۱. ملل و نحل، 136، بندادی، اشک، قصیری، ص 70.
۲. محمدوسی مشکی، فرهنگ فرقه اسلامی، ص 34-35، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، 1368. ش.
۳. خوشت، مososی حسن، ج 2، ص 46، مرکز تحقیق فقهی اسلامی، 97.
۴. مادرولمه، فرهنگی اسلامی، ترجمه دکتر ایفاسم سری، ص 33، 131.
۵. رجایی نجاشیی، ص 41.
واقیف به و نوشته ووان/افراد/الکال/الکار/الغیب/الغیبی/نوت/1/همچنان/حسن/بن/محمد/بن
سامعه/م/۲۴۵/که/وی/یالگ/بر/سی/کتاب/نوشته/که/از/جمله/الغیبی.

واقیف به دین و سیله، احادیث مهدویت را در جامعه شیعه منتشر کردن. در کتب روایی
شیعه، بخش زیادی از احادیث در مورد مهدویت، از واقیفه نقل شده است. مانند کتاب
الغیبی/شاکی/می‌گوید.

این نشان می‌دهد که واقیفی، رابطه‌خوبی با شیعیان امامی‌نداشتند. این گروه در مذهب
شیر نصبت می‌ورزیدند. دبیر روایی اهمیت واقفی از انگش (امام‌ها به بعد) نقل کرده‌اند.
بسیار کمتر از روایی ایست که دیگران نقل کرده‌اند. از سوی دیگر، امام‌ها برخوردارند با
این فرقه داشتند و نظریات آنان را رد می‌کردند. همچنین نمایه‌ای بر ضد آنان نوشته
شد: از جمله، رد این/اهل/وقوف/نوشته/حسن/بن/مسیح/بن/خشاب* /رد/علی/اهل/وقوف
نوشته/محمد/بن/عسی/بن/عبد‌القلی. گلابه بر این، افراد امامی‌فرقة واقفیه را لعن
می‌کردند. از این‌ها مقیسه، از اصحاب امام‌هایی* بود از آن حضرت/سول/کرده: «ایا در
نماز/قرون/می‌توانیم/بر/واقفیه/لعن/کنی؟ این/گروه/هر/امام/خداوند/باید/ملت/در
می‌توانی در نماز/بر/آن/لعن/کنی!»*،

همانطوره

بزرگترین گروه از بیروان/امام/جهفر/صادق* بعد از ایشان، مسنترین/فرزاند
آن حضرت، یعنی عبادالله افطح را به جانشینی ایشان برگزیدند. شماری اندک از آنان
که امام راستیت را می‌شناسند/علیه حلال و حرام و دیگر چیزها سوال
کردن/تا/را/پیامبند/چون/دن/از/دانش‌نوازند/از/پیغام/امامت/ع/سیر/از
دستی/این که به امامت/علیه/جهفر/گرایند/> به/فقطیه/خروجی/شدند. ۲/بیشتر/بزرگ
شیعه/و/فقهیه/ایشان/به/این/سکوت/گروی/مت/در/امامت/و/شک/توزی/و/گفتن:
پسر/ان/نیز/پس/از/وی/امامت/بی/چون/علیه/در/گذشت/وا/از/پسری/نیافتند/همگی

1. ۱/نک/رجال/نجاتی.
2. ۱/تفرشی/تاریخ/خوان،/ج،/صد/ص۶۱.
3. ۱/طوسی/طبرستان/طوسی،/ص۹۴.
4. ۱/بنی/رجال/رجال/النحات،/ج،/صد/ص۹۸.
5. ۲/خویی/معجم/رجال/النحات،/ج،/صد/ص۹۸.
6. ۲/نوبختی/فرزند/الشیخ،/ص۷۸.
7. ۲/همان،/صد/ص۷۸.
آنان جز اندکی، بازگشتند و به حضانت موسی بن جعفر گراشند. ولی در سلسله امامت
آنها میان امام صادق و امام کاظم، امام دیگر وجود دارد. آنان به انتقال امامت از یک
برادر به برادر دیگر قائل بودند و این ادیثه میان افراد این گروه باقی ماند. پس از شهادت
امام حسن عسکری جریان نوظهوری ظهر که به امام جعفر پسر امام هادی
قابل بودند. به عقیده آنان، این امامت از طریق امام حسن عسکری به برادرشان
جعفر می‌رسید.\

این افراد در میان امامیه به عنوان فلسفه مانندند، به‌طوری که در سده سوم (تاریک‌زمان
امام حسن عسکری) برعی از معمورین افراد در شهر کوفه هم‌اندیش بجویانف‌الا از جمله
فلسفیان به‌شمار می‌آمدند. از جمله آنان احمد بن حسن بن علی(۲۴۰م) و علی بن حسن
بن فضل(۲۹۰م) که تأثیرات او بیشتر بر سی کتاب‌می‌شد. کتاب راه‌های از جمله کتبی
است که در اثبات امامت عبادالله بن جعفر افکام‌النوهش شد است.

بعد از امامیه بیشتر افراد مذهبی بودند که مستقیماً از امام جواد، امام هادی و امام
حسن عسکری حديث نقل می‌کردند. برای نمونه، افراد بجویانف‌الا از اصحاب این دو
امام آخر بودند و مستقیماً از آنان نقل حديث می‌کردند. اگرچه این افراد دارای عقیده
نظامی بودند، روایات و گزارش‌های آنان بهترین می‌شور. امام حسن عسکری درباره
خاندان بجویانف‌الا فرمودند:

یکی از آنان از ما روایت می‌کند: نسمت کید ولی به عقیده آنان اعتنایی نداشت

بایدی ۴

افراد امامیه کتیبه‌ای بر رز این فرقه نوشتند؛ از جمله کتاب رد علی بن سیام‌الناشته
علی بن مهیار، علاوه بر این دانش مندان فرقه‌ها، یک‌دیگر جماداتی هم داشتند؛ برای
مثال، عبادالله بن محمد حکایت در مباحث امامیه، جماداتی با مخالفان زمان خود داشت.
 множاداتی با یک‌دیکه‌آش مانند حسن بن فضل و علی بن سیام‌الناشته بود که ورا

-----
1. همان: محمدجواد مشکور، فرهنگ فرقه‌ای‌السلام، ص ۲۵۳.
2. فرق شیعه، ص ۱۱۶.
3. مادلاند، فرهنگ‌های اسلامی، ص ۱۳۲-۱۳۳.
4. تجارت، همان، ص ۳۴.
5. نجاشی، همان، ص ۱۵۹.
6. طوسی، زمانی، ص ۲۸۹.
7. نجاشی، همان، ص ۲۵۴.
نیمه نخست قرن سوم هجری، دوران فرهنگی مهم زیدیه، فتحیه، واقفیه و زیدیه بود. کیسی‌بی‌هی در این زمان در حال انقراض بودند و نقش چندانی در تحولات آن زمان نداشتند. زیدیه فعالیت سیاسی را ادامه دادند و به تدوین اندیشه‌های خود پرداختند. فتحیه و واقفیه در زمینه علم و فرهنگ تشیع نقش مهمی ایفا کردند، خصوصاً واقفیه که در ترویج فرهنگ مهدویت نقش اساسی داشتند، در این زمان تعاملات بین فرهنگ‌ها بیشتر در زمینه علمی و فرهنگی بود.

1. رجایی، کشمیر، ص ۲۲۳.
2. خوئینی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۴۱.
منابع

1. ابن حبيب، أبو جعفر محمد المحمدر، بيوت: دراسات ألقاقي جديدة، بي. ت.ا.
2. ابن زهير، على بن أحمد الفضل في الملل والهواء والنحل، مصر، قاهره.
3. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاريخ ابن خلدون، بيوت: دارالفكر، ط التاسعة،
   1388/1488.
4. ابن طفيل، محمد بن علي بن طباطبا، تاريخ فخاري، بيوت: دارالفلام العربي، ط الأولى،
   1397/1498.
5. ابن عمار حنيلي، شهاب الدين ابولقلاع عبدالحليم، شعرات في نهيب، بيوت: دار ابن كثير، ط
   الأولى، 1386.
6. ابن مسعود، أبو علي مسعود السراي، تجارب الإسلام، تهران: سروش، جاهز، دوم، 1379.
7. ابن نديم، محمد بن اسحاق الفهرست، بيوت.
8. أبو الفرج، اصفهاني، علي بن الحسين، مقاتل الطالبين، بيوت، دار المعرفة، بي. تا.
9. أبو زهير، محمد، تاریخ المناهج الإسلامیة، مصر: دارالفکر العربی، بي. ت.ا.
10. إبراهیم بن عسی، کشمالعمر، تریز: انشاارات بین هاشمی، 1381.
11. ابراهیم، بن ایسی، کشمالعمر، تریز: انشاارات بین هاشمی، 1381.
12. عبّادی، عبدالقاهر، الفرق بين الفرق، بیوت، دارالمشرق، 1397/1398.
13. تقهری، تقدیرخان، قم: مؤسسه آن الیبت، 1418/1439.
14. خیام، حمید، احمد بن محمد، الحدائق الوردية، صنعاء: مكتبة البدر، 1333/1354.
15. خوئی، ابولقلاع، مجرد حالات، مرکز نشر ثقافات الإسلام، 1341/1362.
16. خوفی، فردوسی، اسماعیلیه، قم: مرکز مطالعات وتحقیقات ادبی و مناهب.
17. تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه، فردود بندری، تهران، نشر و
   پژوهش روزفرزند، 1376.
18. رازی، اعتقادات فرق مسلمین، و الشرکین، بیوت: دارالعلم، 1382/1383.
19. سیوطی، جلال الدين، تاریخ خلیفه.
20. شهیدی، الفرقان، بیوت: دارالفکر، 1316/1419.
22. شيخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علي، من لا يحضر اللقية، قم: جامع المدرسین، 4/1400 ق.
23. شيخ مفيد، أبي عبد الله محمد بن نعمان، الآشان، قم: كنجر شيخ مفيد، 13/1413 ق.
24. طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري، بيروت: مكتبة الأعلام، 13/1472 ق.
25. طوسی، محمد بن حسن، الغیب، قم: مؤسسه معرف اسلامی، 13/1411 ق.
26. ————، فهرست طوسی، مشهد: دانشگاه مشهد، 13/1451 ش.
27. ————، رجای طوسی، نجف: انتشارات هیدریه، 13/1481 ق.
28. قاسم رضی، مجموع جامع و رسائل القاسم بن ابراهیم الرسی، صنعاء: مؤسسه امام زیدی، علي، 14/1431 ق.
29. قاضی ودای، الاکسیسی، في التاريخ والادب، بيروت: دار الاتفاقد، 13/1376 م.
30. كشی، أبي جعفر محمد بن حسن، رجال كشی، (اختيار معرفة الرجال)، مشهد: دانشگاه مشهد، 13/1468 ش.
31. كیمی، محمد بن ملقب، اصول كافي، تهران: انتشارات اسلامی، 13/1452 ش.
32. مادلونگ، فرقتهای اسلامی، ص 13/1337/1380، ترجمه دکتر ابوقلیسی سری، ایرانشهر: انتشارات طهران، 13/1480 ق.
33. مجلسي، محمد بن مراد، تهران: انتشارات اسلامی، بي تا.
34. سعودی، أبو الحسن علي بن الحسن بن علي، مروج الذهب، قم: دار الهجرة، جاب دوم، 14/1309 ق.
35. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرقه اسلامی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، 13/1458 ش.
36. مطبه، ابی ابراهیم، التربیه و الرد على أهل الأهواز و البند، قاهره: مكتبة مدوبیه، 14/1312 ق.
37. موسوی نازدی، علي، ترتیب الرزیدیه، قم: معهد الادبیات و المذاهب الاسلامیه، 13/1384 ش.
38. نجاشی، رجیل نجاشی، قم: مؤسسه نشر الامامیه، 14/1365 ق.
39. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیب، تهران: مكتبة الصدوق، 13/1479 ق.
40. نویختی، ابوحسن محمد بن نوسی، قرق الشیبه، نجف الاشرف، 13/1455 ق.
41. يعقوبی، احمد بن يعقوب بن جعفر بن وهب، تاريخ يعقوبی، بيروت: دار الصادق، بي تا.